



۳ دقیقه

حق دانشجو

نوید قربانه

پرديس فارابی دانشگاه تهران



فرض کنید قبل از هر مسابقه‌ی فوتبال، سرمربی تیم فقط به بازیکنش بگه فوتبال بازی کن. فقط و فقط همین. چه قدر مسخره‌ست. بدون این که بهش بگه تاکتیک تیم چیه. تو چه پستی باش. توی پستی که داری چه کارهایی باید انجام بدی و... دقیقاً گفتن اون جمله‌هایی که اول هم نوشتم مثل همینه. حالا شاید

سؤال بالا نیست. بحثم خیلی ریشه‌ای‌تر از این حرف‌هاست. اصلاً تا الان به این فکر کردید که چه چیزی رو باید بگیرید؟ قطعاً الان پیش خودتون بهم خندیدید و گفتید خب معلومه. دیگه حق رو باید بگیریم.

بله. درسته. حق رو باید بگیرید. ولی چه حقی؟ شاید با مثال جلو برم بهتر باشه:

حقت رو بگیر. حق گرفتنه، نه دادنی. برای رسیدن به حقت بجنگ.

شاید این جمله‌ها رو از بچگی زیاد شنیده باشید. چه از زبون پدر و مادر، چه معلم، چه دوست، چه آشنا. آیا تا حالا خیلی جدی به این جمله‌ها فکر کردید؟ اصلاً تا حالا بهشون عمل کردید؟

هدفم جواب دادن به دوتا

به شناخت تکالیف و حقوقتون. در سال ۱۳۹۳ منشور حقوق دانشجویی توسط وزارت علوم تدوین و منتشر شد که الان هم با یه جستجوی ساده تو اینترنت می‌تونید پیدا کنید. (برای اینکه کارتون راحت‌تر بشه ما توی کانالمون هم قرارش می‌دیم.)

در صورتی که دانشجویهای آگاه به حقوق خودتون داشته باشیم، می‌تونیم مطالبه‌گرهای بهتری باشیم و بسیاری از مواقع که حقوقمون در حال پایمال شدن سکوت نکنیم و اعتراض کنیم.

سردبیر گرامی به من گفت درباره‌ی حقوق دانشجویی بنویسم. هرچقدر با خودم فکر کردم دیدم که هیچ‌چیزی بهتر از این نیست که خودتون منشور حقوق دانشجویی رو بخونید. وگرنه برای من کاری نداشت که مواد این منشور رو از اونجا کپی و اینجا پیست کنم. خوندن منشور وقتی ارزشمندیه که خودتون انجامش بدید؛ تفکر درباره‌ی منشور وقتی ارزشمندیه که توسط خودتون انجام بشه؛ تحلیل منشور وقتی ارزشمندیه که توسط خودتون انجام بشه و در آخر و مهم‌تر از همه، عمل به منشور وقتی ارزشمندیه که توسط خودتون انجام بشه.

مهم‌ترین نکته که می‌خوام اینجا بهش اشاره کنم اینه که قانون اساسی اصلاً قانون نیست. (می‌دونم تعجب کردید ولی خب بحث خیلی خیلی مفصله و خودش یه مطلب اختصاصی می‌طلبه). قانون اساسی یه چیزی قبل قانونه. یه اساسه. یه پایه‌ست. تا وقتی پایه نباشه خبری از میز و صندلی نیست. قوانین روی این پایه نصب می‌شن.

یعنی حتی داشتن اون تفکر غلط - که بهش اشاره کردم - دلیل بر نخوندن قانون اساسی نیست، چون اصلاً قانون نیست. به‌صورت کلی بخوام بهتون بگم، خوندن قانون اساسی هرکسوری برای مردم اون کشور لازمه. شدیداً هم لازمه. شما تازه بعد از خوندن و فهمیدن قانون اساسی می‌تونید توی اون اتاق دنبال وسایل بگردید. چون چراغ رو روشن کردید.

پس چی شد؟ باید بدونیم کجای زمین داریم بازی می‌کنیم. نقشمون چیه. چی کار باید بکنیم و... وگرنه صرفاً داریم یه زندگی عادی و معمولی رو انجام می‌دیم. صرفاً برای ارضای غریزه‌های خودمون. حالا دیگه همه‌تون لقب دانشجو دارید و نقشتون مشخص شده. وقت اینه که شروع کنید

پیش خودتون بپرسید خب اگه فوتبال بازی کردن معادل حق گرفتنه، پست بازیکن و تاکتیک تیم معادل چی می‌شه؟ حالا رسیدیم به سؤال اصلی: می‌دونی چه حق‌هایی داری؟ شاید از اول عمرتون مدام از رسانه‌ها شنیده باشید که شهروند باید مطالبه‌گر باشه. دانشجو باید مطالبه‌گر باشه و...؛ اما آیا تا وقتی دقیقاً ندونیم که چه چیزی قراره طلب بشه، می‌تونیم مطالبه‌گر باشیم؟ درست مثل اینه که توی یک اتاق تاریک رهامون کنن و بگن خب حالا وسایل داخل اتاق رو پیدا کن. تا وقتی لامپ رو روشن نکنیم (حتماً باید خودمون روشنش کنیم نه کس دیگه). چه جوری می‌تونیم وسایل رو پیدا کنیم؟

چند نفرتون تا حالا قانون اساسی رو خونده؟ تا حالا شده بشینی با حوصله و دقت بخونیش؟ برایش وقت بذاری؟ تا حالا فصلی با عنوان «حقوق ملت در قانون اساسی» به گوشت خورده؟ می‌دونستی این فصل ۲۴ اصل داره؟ متأسفانه بعضی‌ها (اکثراً) فکر می‌کنن که قانون رو فقط باید حقوقدان‌ها و دانشجویهای حقوق بخونن ولی این فکر کاملاً غلطه. (فعلاً قصد پرداختن به این موضوع رو ندارم.)